

بهرام دزکی

ضرورت مکانی برای گردهمایی کارگران

در اوضاع و شرایطی که روز به روز بر تعداد کارگران بیکار و اخراجی افزوده می شود و خیل کارگران بیکار و اخراجی به حدی رسیده است که حضور آن ها در چهارراه ها و میادین شهر توجه هر کسی را به خود جلب می کند، و در حالی که کارگران شاغل نیز برای تأمین زندگی خود و خانواده به اضافه کاری و کار دو شیفته تن می دهند، صاحبان سرمایه بازم به این شرایطی که به کارگران تحمیل کرده اند راضی نبوده، بلکه با اجباری کردن اضافه کاری و کار در روزهای تعطیل کارگران را از داشتن حتی یک روز تعطیل در هفته نیز محروم کرده اند تا از این طریق بیشترین ارزش اضافی از نیروی کار را به جیب بزنند. تازه این وضعیتی است که کارگران کارخانه های بزرگ صنعتی و خودرو سازی در آن به سر می برند. وضعیت کارگران سایر کارخانه ها به مراتب از این هم اسفناک تر و سخت تر است. چنان که اکنون قبله آمال کارگران استخدام در شرکت های خودروسازی است. البته به قول معروف آواز دُهل شنیدن از دور خوش است. نرخ استثمار از نیروی کار در این شرکت ها در بالاترین حد خود قرار دارد و ایران را در ردیف اولین کشورهای قرار داده که بیشترین ارزش اضافی و انباشت سرمایه را از نیروی کار ارزان به خود اختصاص می دهند.

بورژوازی برای تداوم استثمار و بهره کشی مداوم از این نیروی کار ارزان راهکار مناسب را در آن دیده است که کارگران رسمی را اخراج و به جای آن ها از کارگران قراردادی و پیمانی و سفید امضا استفاده کند. و اگر سرمایه این گونه سهل و آسان یکه تازی می کند، از نبود نیروی متشکل کارگری است، کارگران متشکلی که با درآمیزی با کارگران پیشرو و آگاه و بالاخره فعالیت آگاهانه خود بتوانند در مقابل ترکتازی سرمایه ایستادگی کنند. سرمایه در حال حاضر با استفاده از استبداد سرمایه با دادن کمترین دستمزد به کارگران به دستاوردهای جنبش اجتماعی طبقه کارگر هجوم برده است. این به خاطر عدم حضور جنبش اجتماعی طبقه کارگر در رویارویی با سرمایه نیست. حضور بالفعل جنبش کارگری در جای جای میدان های نبرد کار و سرمایه کاملاً محسوس و چشمگیر است: در کارخانه بلا، شرکت نفت، نساجی بهشهر، مس خاتون آباد، شرکت واحد، لاستیک بارز، ماشین سازی پارس، شاهو، نساجی کردستان، شرکت های خودرو سازی و.... و

این در حالی است که استبداد سرمایه اجازه نمی دهد صدای کارگران شرکت های کوچک از چهار دیواری شرکت به بیرون درز کند.

اگر این جنبش کارگری در تقابل با سرمایه کاری از پیش نمی برد علتش نبود شکل کارگری و پراکندگی بیش از حد اعتصاب ها و اعتراضات کارگری است، به طوری کارگران اصلاً از حال و روز همدیگر با خبر نمی شوند. این واقعیتی است که هر چند کارگران یک کارخانه با اعتصاب و اعتراض یک صدا برای کسب مطالبات خود ایستادگی می کنند، اما بدون حمایت و گره خوردن این حرکت با حرکات کارگران دیگر، این حرکت حتی در صورت پیروزی یک پیروزی مقطعی و گذرا خواهد بود.

صاحبان سرمایه در موقعیتی مناسب به دستاوردهای کارگری هجوم می برند، و حداکثر با پرداخت پول بیشتر کارگران را اخراج می کنند. با اخراج کارگران، کارگران از تنها جایی که می توانند با تصمیم و عمل جمعی در تقابل با سرمایه برای مطالباتی چون افزایش دستمزد، لغو اضافه کاری اجباری، مبارزه با بیکارسازی، اخراج و عدم امنیت شغلی..... ایستادگی کنند محروم می شوند. مواردی که به آن اشاره شد، مشخصاً مربوط به حرکت هایی بوده است که به واسطه شدت و حدت درگیری با صاحبان سرمایه اخبار آن توسط کارگران پیشرو به بیرون از کارخانه درز پیدا کرده است. کم نیستند کارخانه هایی که ماه ها با صاحبان سرمایه درگیر بوده اند اما حتی کارگران پیشرو و آگاه هم از آن اطلاعی نیافته اند، چه رسد به بدنه کارگری. و این تازه بروز عینی تمام پتانسیل جنبش اجتماعی طبقه کارگر نبوده است.

اما آن چه لازم است در این نوشته به آن پرداخته شود، این است که برای رفع پراکندگی این جنبش اجتماعی طبقه کارگر چه باید کرد؟ کارگران بیکار و اخراجی که به ندرت از حال و روز یکدیگر با خبر می شوند چه باید بکنند؟ کارگران ساختمانی که نسبت به دیگر کارگران از ابتدایی ترین حقوق محروم هستند و از سویی دیگر از نظر آگاهی از حقوق خود بی خبرند چه کنند؟ معلمان و پرستاران و دیگر مزد بگیران برای این که بخواهند با دیگر بخش های کارگری تماس داشته باشند و تجارب خود را به دیگران انتقال دهند، و یا از تجارب دیگر بخش های جنبش کارگری مطلع شوند چه باید بکنند؟

طبقه کارگر از امکانات رسانه ای محروم است و بورژوازی جهانی به صورت یک طرفه فرهنگ وارونه ای را به طبقه کارگر حقه می کند، و آن را به مثابه یک واقعیت علمی تبلیغ و ترویج می کند. روابط کالایی را به عنوان روابط انسانی جا می زند و آن را به عنوان تنها شیوه تولید بدون تغییر رواج می دهد. با استفاده از امکانات مالی و قدرت دولت ها، به تحمیل طبقه کارگر می پردازد و از این طریق حقایق را تحریف کرده و فرهنگ کاذبی را به خورد طبقه کارگر می دهد.

اما حتی در صورت وجود رسانه ای کارگری که منافع طبقه کارگر علیه سرمایه را نمایندگی کند، وجود مکانی برای گردهمائی کارگران منتفی نمی شود. یعنی وجود جایی که کارگران بیکار بتوانند با کارگران شاغل تماس بگیرند، جایی که کارگران اخراجی همدیگر را در آن ملاقات کنند، جایی که هر مزدبگیری بتواند دیگر هم طبقه ای های خود را در آنجا ببیند، یکی از ضرورت های مبارزه طبقه کارگر است.

ظرف هایی چون گروه های کوهنوردی، تعاونی های کارگری، و یا گروه های فرهنگی و ورزشی، ان. جی. او، ها، گلگشت های کارگری، یا گردهمائی های سالانه ی کارگری چون مراسم اول ماه مه هر چند در بستر سازی شکل کارگری نقش داشته و دارند، اما با توجه به قد و قواره جنبش اجتماعی طبقه کارگر که در فوق به آن اشاره رفت، این ظرف ها اکنون دیگر کافی نیستند. مضمون و محتوای مبارزات کار علیه سرمایه دیگر در ظرف هایی چون گروه های فرهنگی و ورزشی نمی گنجد و این ظرف ها دیگر مناسب و متناسب جنبش اجتماعی عظیم طبقه کارگر نیستند.

البته ندیدن ظرف های بزرگ چون مراکز بزرگ گردهمائی کارگری صرف نظر از آن که ناشی از وجود اختناق بوده است معلول فقدان رویکرد جنبشی نسبت به طبقه کارگر و محدود نگری و بسنده کردن به گروه های فرهنگی و هنری و ورزشی از سوی فعالان کارگری نیز بوده و هست.

تا قبل از این تلاش می شد که جنبش اجتماعی طبقه به قالب گروه ها و فرقه ها درآید و از کارگران صرفاً برای کارگری جلوه دادن گروه ها استفاده می شد. اما در شرایط کنونی جنبش کارگری می رود که با حضور بالفعل اش در صحنه این پوسته تنگ را به کناری زند و ظرف های متناسب با خود را به وجود آورد. به عنوان مثال، می توان به حضور کارگران نساجی کردستان در خیابان اشاره کرد، و یا مکانی که کارگران شرکت واحد در آن گرد هم می آیند. این ها نشان می دهد که دیگر زمان برپایی جلسات در خانه ها و مکان های کوچک گذشته است. کارگران شرکت واحد در حالی که از سالن عمومی استفاده می کنند در صددند با جمع آوری پول مکانی برای تشکل خود (سندیکا) فراهم کنند.

از ماه ها پیش این فکر و اندیشه از کارگران که نشأت گرفته از واقعیت روز طبقه کارگر می باشد بروز کرده است. بارها از کارگران پیشرو صنعتی شنیده می شود که مکانی برای گردهمائی لازم است. راهکارهایی چون تعاونی کارگری، سالن فرهنگی - هنری و غیره پیشنهاد می شد. این نگرش از طرف کارگرانی که به طور علمی با نگرش های گروهی تصفیه حساب کرده اند طرح می شود، چنان که یکی از مهمترین مشغله های فکری آن ها شده است و آنان نبود مکانی برای گردهمائی کارگران را معضلی در راه تشکل کارگران می دانند. از سویی دیگر، کارگران شرکت های دیگر در تماس با کارگران پیشرو اولین سؤال شان این است که کجا شما را می توانیم ببینیم؟

اگر بر این باوریم که تشکل کارگری به نیروی خود کارگران ایجاد می شود، ابزار و وسایل رسیدن به تشکل کارگری نیز بایستی به وسیله خود کارگران تأمین شود. اگر شرکت در جنبش کارگری و بالا بردن آگاهی کارگران یکی از ملزومات اعتلای جنبش کارگری است، محلی برای گردهمائی کارگران نیز یکی از ضروریات تشکل کارگری است. و همان طور که در بالا اشاره شد برای جنبش در این حد و اندازه ظرف هایی چون تعاونی کارگری گرچه لازم است اما کفایت نمی کند. این جنبش سالن یا ساختمانی می خواهد که بتواند جمع بزرگی از کارگران را در خود جای دهد. من بر این نظرم که گروهی از کارگران پیشرو پیشقدم شده و با جمع آوری پول از کارگران مثلاً هر کارگر شاغل در شرکت های بزرگی چون پالایشگاه، ذوب آهن، شرکت های خودرو سازی، نفری ۲۰۰۰۰ تومان، کارگران نساجی و صنایع نظیر آن نفری ۵۰۰۰ تومان، کارگران اخراجی نفری ۲۰۰۰ تومان تدارک خرید یک ساختمان را برای گردهمائی های کارگری ببینند.

اگر به سازماندهی طبقه کارگر نظر افکنیم متشکل کردن کارگران با تماس فردی با آنان میسر نمی شود. اگر بخواهیم پتانسیل خروشان طبقه کارگر در جنبش کارگری به نمایش گذاشته شود و به فعل درآید، لازمه آن داشتن یک مکان است برای آن که کارگران بخش های مختلف بتوانند گرهی از کار یکدیگر باز کنند. از همه مهم تر، کارگران سرشناس جنبش کارگری که تاکنون موقعیتی برای شکوفا کردن خود در سطح جنبش نیافته اند، با وجود این مکان بهتر می توانند در جمع کارگران با دیگر پیشروان کارگری از نزدیک آشنا شوند، یا رهبران کارگری که تنها در محدوده کارگری خود شناخته شده اند در گستره جنبش اجتماعی طبقه کارگر به دیگر پیشروان کمک کنند و از دغدغه بعضی از پیشروان کارگری که نگران هستند جنبش کارگری متکی به افراد شود بکاهند.

مکان گردهمائی کارگری ضروری است، هر چند تهیه آن نیروی زیادی را طلب می کند. ولی غیر ممکن نیست. شاید از نظر مادی در شرایطی که کارگران در بدترین شرایط معیشتی زندگی می کنند، پرداخت پول برای این مورد فشاری بر زندگی کارگران باشد. اما اگر ضرورت این مسئله برای کارگران توضیح داده شود بسیاری از آنان این هزینه را با دل و جان تقبل خواهند کرد. علاوه بر این، به نظر من، در این مورد می توان از یاری دیگر کارگران در سایر نقاط جهان نیز بهره مند شد و این هزینه را سرشکن کرد.

در هر صورت، این نوشته طرحی است که می تواند با پیشنهادها و نقد دیگر پیشروان کارگری تکمیل شود.